

موج

بیداری من
جز غوغای سنگریزه ها
بر ساحل آرام
جز خواب لاک پشتهها
بر انتظاری عبث
چه سود دارد!؟

آنگاه که تو
خون ابروانت
معنای هستی ام را می گیرد

دستان خشکت
نه ستایش ریا کاری
که تپای امیدند

خاک بر سر من
که نه شایسته زمینم
و نه طوفانی که پاره پاره ام کند

آریان - 2008